

پیشخوان

آغاز بیست‌وششمین سال انتشار نگاه نو

● تازه‌ترین فصلنامه «نگاه نو» منتشر شد. در این شماره پرونده‌ای به نصرالله کسرانیان، عکاس برجسته کشور، اختصاص داده شده است. «عکس می‌گیرم، پس هستم»

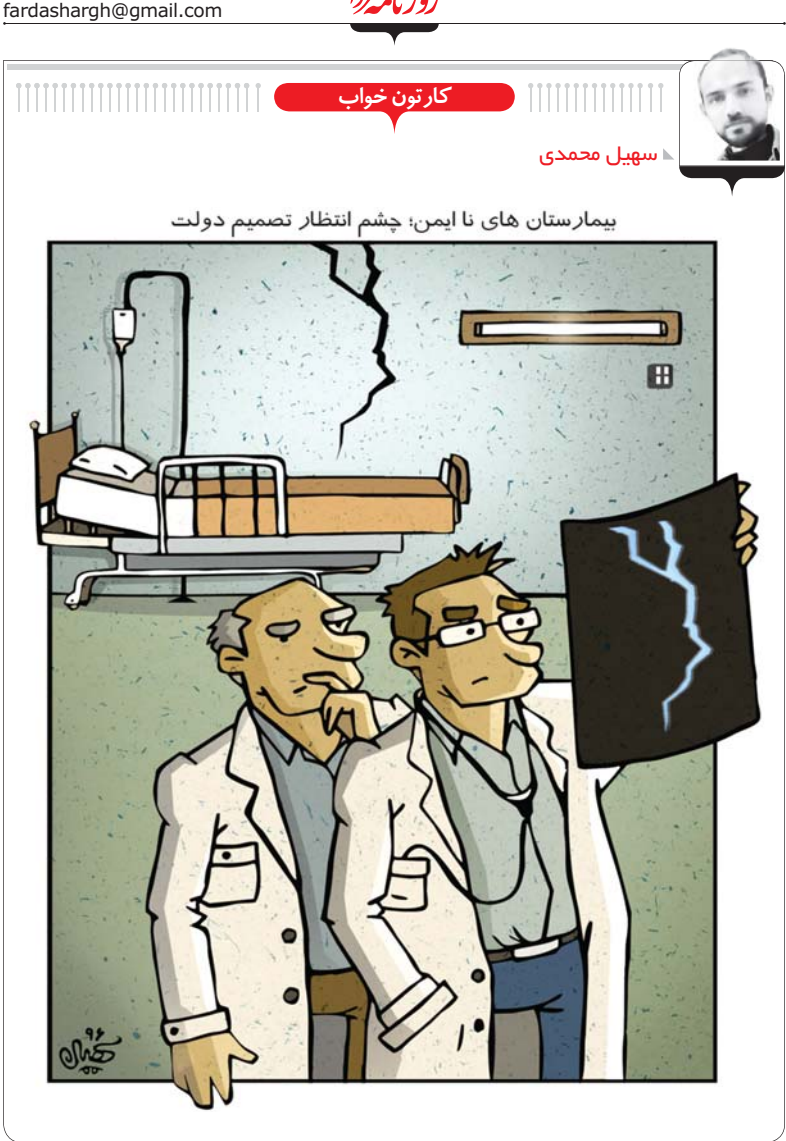
عنوان این گفت‌وگو است که علی میرزایی، سردبیر نگاه نو، با او انجام داده است. گفت‌وگویی مفصل که به بخش‌های مختلف زندگی این عکاس برجسته اختصاص داده شد؛ عکاسی که از علوم سیاسی به این رشته تغییر جهت داده و با تاکید می‌گوید: «من چپ بودم، چپ هستم و امیدوارم چپ بمانم». بررسی کارنامه او در این گفت‌وگو، نقد فعالیت‌هایش به وسیله اسماعیل عباسی در کنار چاپ عکس‌هایی کمتر دیده‌شده از او به صورت رنگی و برخی سیاه و سفید و همچنین چاپ چند نمونه از ترجمه اشعار بوکوفسکی به ترجمه کسرانیان و معرفی دیگر آثار این عکاس مهم ایرانی پرونده‌ای درخورتوجه را خلق کرده است. کسرانیان در این مصاحبه به سوالات مهمی که در تاریخ عکاسی معاصر ایران درباره او و آثارش وجود داشته، با دقت و متانتی خاص پاسخ می‌دهد و از عکاسی عشایر ایران خاطرات فراوانی نقل می‌کند. از دیگر بخش‌های خواندنی نگاه نو، بخش مقاله‌هاست. در این حوزه، سخنرانی محمدعلی موحد در یکی از محافل ادبی به صورت مقاله‌ای با عنوان «برآمدن ترکان و تأثیر آن در اشاعه زبان و فرهنگ فارسی» در کنار سخنرانی «عزت‌الله فولادوند» به مناسبت انتشار کتاب «در ستایش خرد و آزادی» در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی به چاپ رسیده است. محمدحسین خسروپناه نیز در یکی دیگر از مقاله‌ها به ماجرای ملی شدن صنعت نفت پرداخته است. محمد مالجو نیز در مقاله‌ای با عنوان «دگردیسی در رژیم سلب مالکیت از توده‌ها در ایران امروز» اظهارات تازه و متفاوتی درباره تاریخ ایران از دریچه دنیای سیاست و اقتصاد بیان کرده است. «فخرالدین عظیمی»، استاد تاریخ دانشگاه کنه‌تیکت آمریکا، در مقاله‌ای تفصیلی به «ترامپیسم در آستانه درماندگی» پرداخته است. مقالاتی از صاحب‌نظرانی مانند حسین معصومی‌همدانی، محمد دهقانی و محمد درویش در این نشریه به چشم می‌خورند. فصلنامه نگاه نو بیش از ۲۶ سال از انتشارش می‌گذرد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ● ۲۷ خرداد ۱۳۹۶ ● ۲۲ رمضان ۱۴۳۸ ● ۱۷ ژوئن ۲۰۱۷ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۸۸۹ ● ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ ● اذان مغرب ۲۰:۴۴ ● اذان صبح فردا ۴:۰۲ ● طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزانه‌فرا



پشت جلد

از انتخابات عبور کنیم

توجه کافی نمی‌شود؟ چرا به ضرورت انسجام اجتماعی نمی‌اندیشیم و چرا گاهی طوری سخن می‌گوییم که التهابات پیش‌انتخاباتی کماکان باقی می‌مانند؟ جامعه پس از انتخابات قبل از هرچیز به آرامش نیازمند است؛ درست شبیه ورزشکاری که پس از یک مسابقه سنگین و حیاتی به استراحت نیاز دارد. ادامه التهاب فقط به سود کسانی است. حفظ فضای انتخاباتی فقط به سود کسانی است که منافعشان در هیجان و التهاب است. برعکس، ساختن و آبادانی و دوراندیشی نیاز به آرامش، گذشت، تحمل و صبوری دارد. مردم انتخاب خود را کرده‌اند و مورد قبول سازوکار رسمی هم قرار گرفته. از اینجا به‌بعد باید از انتخابات عبور کرد و به الزامات فضای پس از آن متعهد بود. سطوح فوقانی و میانی و پایین سیاست باید در جای خود باشند و تلاش شود هرچیزی از مسیر درست بگذرد.

یادداشت

باد از کجا بوزد؟

بچه‌های فک و فامیل شده، کافی نیست؟ یادتان رفته که مدیرکل سانسور در دولت احمدی‌نژاد خواهرزاده عزیزش را به زور و بیلا وارد جرگه فیلم‌سازان کرد که حاصلش شد فیلم‌هایی مثل «پایان‌نامه؟» و این در حالی بود که ده‌ها و بلکه صدها جوان درس‌خوانده سینما، به دلیل نداشتن حامی، همچنان در صف انتظار ایستاده‌اند؟

آیا این شبیه کاری نیست که ۱۲، ۱۳ سال پیش به دلیل اینکه سردار قالیباف فرمانده وقت نیروی انتظامی که اغلب هم مردم از او راضی بودند، در انتخابات ریاست‌جمهوری رای نیاورد، به مقام شهرداری کلان شهر تهران گمارده شد و هیچ‌کس هم نکفت ایشان در زمینه شهر و شهرداری چه سابقه و تجربه‌ای دارد و بهتر نیست با توجه به اینکه خلبان است، در رأس سازمان هواپیمایی کشور یا مسئولیتی شبیه به این گمارده شود؟ اما این اتفاق نیفتاد و آن سردار خوش‌نام، شهردار شد و ناگهان... آقایان محترم، لطفا هنگام تغییر ذائقه و بازکردن جابجایی دوست و آشنا، به تناسب آنان با مشاغل که برایشان در نظر می‌گیرید، توجه داشته باشید. اینجا که شیخ‌نشین‌ها یا برخی امپراتوری‌های حاشیه خلیج فارس نیست که اعضای خاندان بر نهادهای مختلف سیطره داشته باشند. دست‌کم از تجربه‌های تاریخی عبرت بگیرید. بیست‌واندی سال پیش سیدمحمد بهشتی، یکی از بهترین مدیران فرهنگی و هنری، را از مدیریت بنیاد سینمایی فارابی برداشتند و این نهاد که در سینمای آن دوران نقش اصلی را بازی می‌کرد، به بی‌خاصیت‌ترین نهاد سینمایی تبدیل شد. جشنواره کودک و نوجوان اصفهان را بنا بر بازی‌های پشت پرده، از علیرضا شجاع‌نوری که کارش را بلد بود گرفتید، از اصفهان به کرمان و سپس همدان بردید و این رویداد زنده و به راستی جهانی سینمایی کشور را به کم‌فروغ‌ترین رویداد سینمایی، چیزی در حد جشنواره رشد که کسی نمی‌داند کی و کجا برگزار می‌شود، نازل کردید.

بس نیست این همه تجربه منفی و ناکارآمد در تعیین مدیریت که نتیجه‌ای جز آچمزشدن سینما و سینماگران ایران به همراه نداشته است؟

جامعه و جریان یافتن زندگی عادی است. جامعه تقسیم بر دو یا چند شده باید دوباره «یکی» شود. رئیس‌جمهور انتخاب‌شده، رئیس‌جمهور همه است و ضمن قبول هویت اقلیت و اکثریت، همگان باید روند پیش‌رو را بپذیرند. به‌همین‌دلیل مهم است که نامزدهای شکست‌خورده به نامزد پیروز تبریک بگویند.

این اخلاق و ادب رقابت است. پس از آن، جامعه بحث و جدل پیش از انتخابات را کنار می‌گذارد و به آینده می‌اندیشد. اقلیتی که در اندیشه پیروزی است از آن زمان چندسال وقت دارد تلاش و تبلیغ کند که به اکثریت تبدیل شود. اکثریت هم می‌داند که وقت و منابع محدودی دارد که به وعده‌هایش عمل کند و تلاش کند اکثریت باقی بماند. تمام سخن این یادداشت گلیایه از این نکته است که چرا گاهی چنین به نظر می‌رسد که با گذشت یک ماه از انتخابات، به اهمیت گذر از فضای قبل از انتخابات

روایت

دعوت آخروقت از هیئت‌مدیره منتخب

شرق: تنها چند ساعت مانده به آغاز میهمانی افطار ریاست‌جمهوری با اهالی رسانه، از طرف روابط‌عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعضای هیئت منتخب انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران تماس گرفته شد. این دعوت آخروقت، فرصتی شد تا اعضای که در این مراسم حضور داشته‌اند، گام‌های مثبتی برای حل مسائل صنفی بردارند؛ به‌طوری‌که در حاشیه ضیافت افطار اهالی رسانه با رئیس‌جمهور، اعضای هیئت‌مدیره منتخب انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و محمد نهاوندیان، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور، درباره موانع تشکیل انجمن صنفی استان تهران گفت‌وگو کردند. در این گفت‌وگوها توضیحاتی درباره مشکلات ایجادشده در ثبت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران ارائه شد. محمد نهاوندیان و صالحی امیری وعده پیگیری موضوع را در هیئت دولت داده‌اند. پیش از این، اعضای هیئت‌مدیره منتخب دیدارهایی نیز داشتند. به‌تازگی حدود هزار روزنامه‌نگار و خبرنگار با امضای نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، خواستار ثبت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران شده بودند. در دیدار اهالی رسانه با رئیس‌جمهور، مسائل مختلفی از طرف دو مدیرمسئول سخنران مطرح شد؛ مسائلی مانند دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی مدیران کانال‌های تلگرامی، دیدار ریاست‌جمهوری با اعضای در حصر و حرکتی به سوی آزادشدن که برخی محدودیت‌ها از سوی مسئولان دولتی اعمال می‌شود، توجه بیشتر به سیره حضرت امام(ره) و... در این میان برخی از روزنامه‌نگاران در فرصت دیدار با وزرا مسائل و مشکلات حرفه‌ای خود را مطرح کردند. در طول این سال‌ها کمتر روزنامه‌نگاری امکان سخنرانی در این ضیافت را پیدا کرده است و معمولاً مدیران مسئول جزء سخنرانان بوده‌اند.



پرسه

بنرهای مورچه‌ای در تهران

پنهانی به یکی از چهره‌های انتخابات اخیر دارد که با سروصدای فراوان به میدان آمد و برخلاف قولی که داده بود، تا آخر نماند و نیمه‌های راه کنار کشید. اگر چنین برداشتی از اساس غلط و نادرست باشد،

باید پرسید که باین‌حساب، چرا هنوز شهرداری برای الگوسازی و ترویج سبک زندگی، دست‌به‌دامن بیلبوردهای گران‌قیمت خود می‌شود درحالی‌که کانال‌های تلگرامی فراوانی با اندکی هزینه در این زمینه پیشسازی می‌کنند و میزان تأثیرگذاری‌شان بسیار بالاتر است. برای نمونه بد نیست به کانال سبک زندگی «کمپین خانه‌تکانی فرهنگی» اشاره کرد که با نزدیک به هشت هزار کاربر، سعی می‌کند با زبانی ساده، سبک زندگی ایرانی- اسلامی را در میان اقشار وسیع جامعه معرفی کند. در چنین کانال‌هایی پرداختن به مسائلی چون «حمایت از کودکان کار»، «جهیزیه‌های کوچک برای تصمیمات بزرگ» و «استقلال‌زایی و توانمندی فردی» و... بهانه‌ای است که مخاطبان با وجود عملی سبک زندگی ایرانی- اسلامی آشنا شوند و بتوانند الگوهای مطرح‌شده را در زندگی خود پیاده کنند، اما آیا بنرهای مورچه‌ای تهران که با هزینه هنگفتی بر درودیوار شهر نصب شده‌اند هم می‌توانند چنین کنند؟



شرق: بعد از انتخابات جو تهران تا حدودی عجیب و خاص شده و انگار خیلی‌ها در جایی که باید باشند نیستند و شاید به‌همین‌خاطر است که بعد از سال‌ها فعالیت بدون‌خطر مترو، ناگهان دو قطار به‌هم برخورد می‌کنند و تا ساعت‌ها کسی، تقصیر حادثه را به گردن نمی‌گیرد. از عجایب دیگر تهران، می‌شود به بنرهایی اشاره کرد که این روزها دارد در گوشه‌وکنار پایتخت سر بیرون می‌آورد؛ بنرهایی که قرار است با تاکید بر زندگی «مورچه‌ها» از سبک زندگی بر پایه «قناعت»، «عدالت» و «فروتنی» بگوید، اما گویی برای بسیاری از شهروندان تهرانی یادآور یکی از چهره‌های انتخابات اخیر است. روی یکی از این تابلوها که در میدان فردوسی قرار گرفته، نوشته شده: «خداوند به اندازه توان هرکسی از او انتظار دارد» و روی آن یکی که در نزدیکی میدان آزادی قرار گرفته، این جمله: «میزار موری که دانه‌کش است». شهروندان تهرانی در طول سال‌های حضور قالیباف در ساختمان بهشت، عادت کرده‌اند که بسیاری از تبلیغات مؤثر شهری، معنای دوگانه‌ای دارند؛ به‌عنوان نمونه واکنش منفی قالیباف به موضوع بگرام با پوسترهایی در تهران رخ نمودند که اوایما را در کنار شمر نشان می‌داد